DOI: 10.22067/social.2022.73167.1096
مقالهٔ پژوهشی

عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر در بین جوانان شهرکابل

اکبر زارع شاه‌آبادی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)
a_zare@yazd.ac.ir
سید محمد فیروزی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه بغلان، افغانستان، نویسندهٔ مسئول)
sayedmohammadfirozi@yahoo.com

چکیده

گرایش به مواد مخدر در میان جوانان، یکی از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در کشورهای مختلف و ازجمله در افغانستان شمرده می‌شود. با توجه به شرایط کلی جامعه افغانستان و به‌ویژه شرایط نامساعد اقتصادی، فرهنگی، تفریحی و... در شهر کابل، جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی درمعرض اعتیاد به مواد مخدر هستند. هدف این پژوهش، تعیین عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر بود. این پژوهش از نوع تبیینی، توصیفی-تحلیلی و با روش پیمایشی انجام شده است. جامعهٔ آماری این پژوهش، جوانان بین سنین ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر کابل بودند که کاربران شبکه‌های مجازی و اینترنت بودند. تعداد ۲۵۱ پرسشنامهٔ محقق‌ساخته از میان جامعهٔ آماری تکمیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، بین نداشتن امکانات اوقات‌فراغت، احساس ناامنی، داشتن دوستان ناباب، بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد در شهر کابل و تنش‌های خانگی و گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. درآمد، اشتغال و سواد نیز بر گرایش جوانان به مواد مخدر تأثیرگذاراست. اما، سن، وضعیت تأهل، حجم خانوار، وضعیت مسکونی، اعتیاد یکی از اعضایی خانواده با گرایش به مواد مخدر رابطهٔ

مجلّهٔ علوم اجتماعی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۰۹-۱۳۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ تاریخ تصویب:۱۴۰۱/۰۴/۰۷

معناداری نداشت؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که گرایش به مواد مخدر تحت‌تأثیر عوامل مختلف اجتماعی است. مؤسسات و نهادهای دولتی و خصوصی می‌توانند با تسهیل و ارائه خدمات آموزشی، آگاهی‌دهی، تفریحی–سرگرمی، ایجاد اشتغال و کاهش فضایی ناامنی، از گرایش به مواد مخدر در بین جوانان بکاهند.

کلیدواژه‌ها: عوامل اجتماعی، گرایش، مواد مخدر، جوانان، شهر کابل.

۱. مقدمه

سوءمصرف مواد مخدر، همواره مشکلات متعددی همچون افت سلامت عمومی، افزایش مرگ‌ومیر، آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی، از دست رفتن فرصت‌های آموزشی و شغلی و افزایش نرخ درگیری با سیستم قضایی، ایجاد چرخه مصرف مواد، تداوم آسیب و بازپیدایی آن‌ها در نسل‌های بعدی را به همراه داشته است (آدرم و نیک‌منش، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۱). به علاوه اینکه هزینه‌های مالی گزافی، صرف مبارزه با اعتیاد می‌شود. در این خصوص طبق اعلام سازمان ملل متحد ٤٦٠ میلیارد دلار هزینه‌های جرایم ناشی از جرایم سازمان یافته است که حدود نیمی از آن مرتبط با مواد مخدر است (رحمانی فضلی، ۱۳۹۳، ص. ٤٤). براساس آمارها، ۳٫۵ درصد کل جمعیت و ۵٫۲ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ٦٤ ساله جهان، سابقه یک‌بار مصرف مواد مخدر را دارند؛ یعنی حدود ۲٤۰ میلیون نفر یک‌بار تجربه مصرف مواد مخدر را داشته‌اند (رحمانی فضلی، ۱۳۹۳، ص. ٤۵).

کشور افغانستان براساس آمارهای جهانی، بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر (تریاک) جهان است. این برآوردها تاحدی تکان‌دهنده است که گویا ۹۰ تا ۹٦ درصد تریاک مورد استفاده جهانی در افغانستان کاشت و تولید می‌شود. اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد[1] در ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ با نشرگزارشی مدعی شده است که افزایش چشمگیر کشت خشخاش و بهبود تدریجی محصول‌دهی در افغانستان موجب شده است تا تولید تریاک به ۹۰۰۰ تن برسد. وزارت مبارزه علیه مواد مخدر (در حال حاضر، ادغام‌شده

1. UNODC

در وزارت «داخله») در هماهنگی و همکاری نزدیک با دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، یک پیمایش را درخصوص دریافت آمار واقعی و ارقام تازه از کشت و تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۷ میلادی راه‌اندازی کرد. براساس این بررسی، مجموع ساحات زیر کشت مواد مخدر در افغانستان ۳۲۸ هزار هکتار زمین را در بر گرفته است که ٦۳ درصد افزایش در مقایسه با سال ۲۰۱٦ نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۸ زمین زیر کاشت مواد مخدر مطابق با گزارش‌های دولت افغانستان، اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل از ۳۲۸ هزار هکتار به ۲٦۳ هزار هکتارکاهش یافته است، ولی تولید و قاچاق آن همچنان نام افغانستان را به‌عنوان بی‌رقیب‌ترین کشور جهان یدک می‌کشد. در سال ۲۰۱٦ وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، سروی را به همکاری با اداره مبارزه با جرایم و تطبیق قانون آمریکا[1] در سراسر افغانستان انجام داد که این سروی شامل سه نوع تست شامل تست مو، لعاب دهان و ادرار بوده است. این سروی نشان داد که در سراسر افغانستان در حدود ۲,۹ تا ۳,٦ میلیون افراد متأثر از استفاده مواد مخدر هستند. درحالی‌که زرع، تورید، تولید و قاچاق مواد مخدردر قوانین جزایی افغانستان جرم شمرده شده است، حتی کسانی که معتاد به مواد مخدر هستند نیز حالتشان وضعیت مجرمانه قلمداد شده است؛ زیرا مواد مخدر و اعتیاد به آن ارتباط معناداری با سایر انحرافات و جرایمی مانند سرقت، چپاول، قتل، تکدی‌گری، جعل، جرایم اخلاقی و... دارد. گزارش بی‌بی‌سی از قول مقام‌های دولت افغانستان و همکاران بین‌المللی‌شان نشان می‌دهد، در سال ۲۰۱۲ میلادی، معتادان در افغانستان به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون دلار آمریکایی مواد خریداری و مصرف کردند.

در ساحات ناامن و زیر زرع وکاشت مواد مخدر، دسترسی به مواد مخدر بسیارآسان است و احتمالاً برای دارندگان آن مناطق و دهقانان مصرف‌کننده، مصرف مواد مخدر هزینه‌ای نیز نداشته باشد. معتادان معمولاً کسانی هستند که اشتغال و درآمدی ثابت یا کفایت‌کننده مصرف مواد را ندارند؛ بنابراین خرید مواد مخدر به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون

---

1. INL

دلار، نشانگر ارتباط معنادار آن با سایر جرایم است. آمارهای جهانی نشان می‌دهد، جوانان بیش از سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی مستعد ابتلا به مواد مخدر بوده و دارای گرایش‌های بیشتر به این پدیده هستند (مزیدی، ۱۳۹۳، ص. ٤٠). در افغانستان نیز شواهد و دیدگاه‌ها نشان می‌دهد، جوانان بیش از سایرگروه‌ها در میان معتادان دیده می‌شوند. از سوی دیگر، شرایط نابهنجار و خشونت‌های بیش از چهل دهه بر زندگی این قشر تأثیرات منفی عمیقی گذاشته است و این ناملایمات زندگی بر گرایش‌های این قشر به مواد مخدر افزوده است؛ بنابراین در این تحقیق تلاش شده است تا به جنبه‌ها و عوامل اجتماعی مؤثر برگرایش جوانان به مواد مخدر پرداخته شود. شهر کابل با جمعیت شش میلیونی، بیشترین معتادان به مواد مخدر را در خود جا داده است. هزاران نفر معتاد که عمدتاً از قشر جوانان هستند، از خانواده و جامعه طرد و رانده شده‌اند و در جاده‌ها، پارک‌ها، مخروبه‌ها و زیر پُل‌ها جا خوش کرده‌اند و آزادانه و در حضور عابران، پلیس و مقامات دولتی مواد مخدر مصرف می‌کنند. تماشای گروه‌های وسیعی از معتادان بی‌پناه که در وضعیت رقت‌بار و با لباس‌های کثیف و ژولیده در سرک‌ها و خیابان‌ها شب و روز افتاده‌اند، قلب هر بیننده‌ای را ناراحت می‌کند.

مواد مخدر شامل ترکیباتی است که موجب تغییر در کارکرد مغز به‌صورت ایجاد حالات هیجانی، رفتارهای نابهنجار، عصبانیت یا اختلال در قضاوت و شعور فرد می‌شود (محبوبی‌منش، ۱۳۸۲، ص. ۷۰). مواد مخدر را براساس تأثیری که برسیستم عصب و مغز می‌گذارد، به سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف) محرک‌ها: این گونه مواد که شامل کوکائین، کراک، کافئین، نیکوتین و آمفتامین‌ها می‌شود، سیستم عصب و مغز مصرف‌کننده را تحریک می‌کند. مصرف‌کننده این گونه مواد در کوتاه‌مدت احساس هوشیاری، هیجان و فرونشستن خستگی می‌کند؛ ب) کُندکننده‌ها: این گونه مواد که شامل الکل و مواد افیونی مانند تریاک، هروئین، مرفین و آسپرین است، سبب کاهش فعالیت سیستم‌های عصبی و مغزی مصرف‌کننده می‌شود و طبعاً تأثیراتی شل‌کننده بر عضلات می‌گذارد. با مصرف این گونه مواد

مصرف‌کننده حالت فراموشی از ترس، اضطراب و استرس پیدا می‌کند؛ ج) مواد توهم‌زا: این‌گونه مواد شامل (LSD) و اکستازی است که فعالیت عصبی را مختل کرده و درک مصرف‌کننده را از شرایط و حالات موجود منحرف می‌کند و سبب اختلال فکری مصرف‌کننده می‌شود (سروستانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۰). اعتیاد به مواد مخدر از منظر رشته‌های مختلف تعریف‌شدنی است/ برخی‌ها اعتیاد را خو گرفتن و عادت کردن به هر چیزی تعریف کرده‌اند که سبب تمایل و دلبستگی به آن می‌شود. در *لغت‌نامه دهخدا*، اعتیاد به معنی عادت کردن یا خو گرفتن به هرچیزی معنی شده است (دهخدا، ۱۳۳۸، ص. ۲۹٤۹). اعتیاد به مواد مخدر به معنی خوگرفتن و عادت کردن به مواد است؛ به‌طوری‌که، نبود دسترسی به آن مواد موجب بروز علائم محرومیت می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۷۷، صص. ۲۲٦–۲۲۷). گرایش را نیز مرکب از سه عنصر شناختی، عاطفی و رفتاری می‌دانند؛ یعنی شناخت‌های فرد درباره چیزی از احساسات و عواطف او درباره آن چیز و از تمایلات او برای عمل به آن چیز تأثیر می‌پذیرد (یوسفی لویه، ۱۳۸۸).

بدون‌شک، نابودی منابع تولیدی مواد مخدر امری تصورنشدنی به نظر می‌رسد، اما در حوزه توزیع و تقاضا این امکان وجود دارد که با کاهش گرایش و دسترسی به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، با گسترش و عرضه سرسام‌آور آن مقابله شود. مسلم است که اگر تقاضا و گرایش برای دریافت کالاهای مصرفی وجود نداشته باشد، عرضه و توزیع آن نیز سیر نزولی خواهد گرفت، اما این قاعده عرضه و تقاضا روی دیگر نیز دارد و آن اینکه با عرضه و توزیع فراوان مواد و دسترسی آسان به آن، تقاضا و گرایش به مواد نیز افزایش می‌یابد. در افغانستان به‌طور عام و در شهر کابل به‌طور خاص، عرضه و توزیع انواع مواد به‌راحتی صورت می‌گیرد و این امر نامیمون سبب گسترش تقاضا و مبتلا شدن بیشتر افراد ازجمله جوانان می‌شود. تحقیقات نیز نشان می‌دهد که در عصر حاضر، یکی از علل افزایش مصرف مواد مخدر دسترسی آسان و نسبتاً رایگان به آن‌هاست (هادلند، مارشال، مونتانر و وود [1]، ۲۰۱۲، ص.

1. Hadland, Marshall, Montaner & Wood

٤٩٠). به‌طور منطقی زمانی که دسترسی به مواد مخدر آسان باشد، مردم فرصت بیشتری برای دسترسی و گرایش به مواد مخدر دارند؛ درنتیجه مصرف مواد مخدر در بین آنها افزایش می‌یابد (تام و فو[1]، ۲۰۱۲، ص. ١٦٢٢).

بیش از چهار دهه جنگ‌های خانمان‌سوز و ویرانگر در افغانستان، وضعیت و شرایط مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در نابسامانی‌ها و نابهنجاری‌های زیادی قرارداده است. بیکاری، بی‌سوادی، مهاجرت‌ها، ناامنی‌های روانی و بی‌اعتمادی، فقر، خشونت‌های خانگی، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، انحرافات و اعتیاد به مواد مخدر ازجمله نتایج ملموس و عینی جنگ و خشونت‌های دوام‌دار تلقی می‌شود. آنچه قابل‌ملاحظه است، رابطه اعتیاد با سایر جرایم و انحرافات است. در کشورهای مختلف جهان پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد به مواد مخدر با سایر جرایم و انحرافات اجتماعی رابطهٔ مستقیم و معناداری دارد (فرخ‌پور، ۱۳۸۲، ص. ۸۹). فرد معتاد به مواد مخدر برای دسترسی به مواد حاضر به انجام هر نوع عمل دیگر است. رابطهٔ اعتیاد با جرایمی چون سرقت، قتل، جعل، فریب‌کاری، جرایم اخلاقی، تکدی‌گری، چپاول، رهزنی و امثال آن، در کشورهای مختلف و ازجمله در افغانستان مشاهده و بررسی شده است. جوانان به‌عنوان نیروی فعال و با انرژی جامعه که در دورهٔ جنون، هیجان‌ها و احساسات قرار دارند، بیش از سایر اقشار درمعرض ابتلا و گرایش به مواد مخدر هستند (صادقی، ۱۳۸۷، صص. ٤٥-٤٦).

در افغانستان به دلایلی که پیش‌تر ذکر شد، نرخ بیکاری، فقر، تورم، ناامنی و بی‌اعتمادی افزایش یافته است. از سوی دیگر، خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی، دسترسی آسان به مواد مخدر، نبود فضاهای سبز و اماکن تفریحی، افزایش سن ازدواج و کاهش نظارت خانوادگی و موارد از این دست، جوانان را بیش از سایر گروه‌های سنی به استفاده از موادهای روان‌گردان سوق می‌دهد. یکی دیگر از مشکلات موجود فراروی مکانیسم‌های مبارزاتی با این پدیدهٔ شوم و آسیب‌زا، فقدان رویکردهای اجتماعی و جامعه‌شناختی به این

1. Tom & Foo

مسئله است. شکی نیست که میلیاردها دلار آمریکایی مصرف مبارزه با کشت، قاچاق، توزیع و مصرف این مواد شده است و شاید صدها سمینار و کارگاه‌های آموزشی برای آگاهی‌دهی از ضرر آن برگزار شده باشد، اما در کنار همه کاره نیاز جدی وجود دارد که نگاهی جامعه‌شناختی نیز به این مسئله مهم داشته باشیم و به این موضوع تمرکز کنیم که چه عوامل اجتماعی بر گرایش افراد و به‌ویژه جوانان به مواد مخدر تأثیرگذار است؛ زیرا تنها با رویکرد سیاسی، حقوقی و تنبیهی به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. مسئولان و اداره‌های ذی‌ربط باید به ریشه‌ها و سرچشمه‌های گرایش به اعتیاد و مبتلا شدن افراد به مواد مخدر توجه‌کنند. با شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر برگرایش و ابتلا به مواد مخدر، می‌توان به نتیجه مطلوب و اساسی دست یافت.

۲. مبانی نظری و تجربی تحقیق

براساس نظریه آنومی و گرایش به مواد مخدر مرتن[1]، انحراف زمانی پدیدار می‌شود که میان اهداف و وسایل دستیابی به آن تضاد وجود داشته باشد. فرد از جامعه‌ای که در واقعیت آرمان‌های خود را نادیده می‌گیرد، بیگانه می‌شود. این فشار به‌ویژه در میان بخش‌های آسیب پذیر جمعیت گرایش به مواد مخدر را افزایش می‌دهد؛ افرادی که از هر فعالیتی برای دستیابی به اهداف اجتماعی دوری می‌کنند و طرفدار کج‌روی می‌شوند؛ بنابراین، پناه بردن به مصرف مواد مخدر به معتاد اجازه می‌دهد تا وقت و انرژی خود را برای دستیابی به اهداف قابل‌حصول صرف کند و مصرف مواد مخدر را بیشتر کند (آبادینسکی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱).

براساس نظریه معاشرت افتراقی، همان‌طور که ادوین ساترلند[2] (۱۹۷۳) می‌گوید، معاشرت افتراقی، چگونگی انتقال رفتار مجرمانه را تبیین می‌کند. معاشرت افتراقی جزو نظریه‌های یادگیری است که ب اساس آن، رفتار مجرمانه آموخته می‌شود و یادگیری اساسی در درون گروه‌های نخستین فرد رخ می‌دهد. یادگیری مؤثر به میزان، شدت، فراوانی و مداومت ارتباط

1. Merton
2. Edwin Sutherland

وابسته است. با توجه به مصرف مواد مخدر، معاشرت افتراقی می‌تواند به‌عنوان یک مقیاس در نظر گرفته شود. در یک طرف، مقیاس معاشرت‌های کج‌روانه و در طرف دیگر معاشرت‌های معمولی اجتماعی انباشته می‌شود. در برخی دیدگاه‌های نظری، مصرف مواد هنگامی شروع می‌شود که معاشرت‌های کج‌روانه (مصرف‌کنندگان مواد) بیشتر از معاشرت‌های معمولی اجتماعی آن‌ها باشد. درواقع به نظر می‌رسد شروع مصرف مواد مخدر به‌طور کامل وابسته به معاشرت با همسالان باشد. داستر[1] (۱۹۷۰، ص. ۱۸۰) می‌نویسد: اولین منبع ارتباط با مواد مخدر(هرویین) معمولاً یک دوست است. مصرف‌کنندگان معمولی، اولین مزه تعارف مواد را از سوی معتادان تازه‌کار دریافت نمی‌کنند: غالباً درپی ملاقات دوستی که در این راه دستگیر شده و ب صورت مثقال مصرف می‌کند، به‌سوی هرویین سوق داده می‌شوند. فرد به‌ندرت برای اولین بار خریدار مواد مخدر می‌شود؛ بنابراین شروع بیشتر به شرایط تصادفی بستگی دارد تا آرزوی چنین عملی توسط مصرف‌کننده تازه‌کار (هوگان[2]، ١٩٩٤).

نقش بی‌سازمانی اجتماعی در گرایش به مواد مخدر: یک رهیافت ساختاری عملکردی دربارهٔ مسئلهٔ مواد مخدر معمولاً عامل فردی را رد می‌کند و به‌جای آن به ملاحظهٔ کل ساختار اجتماعی روی می‌آورد و به این مشکل جنبهٔ اخلاقی نمی‌دهد. رهیافت‌های ساختاری عملکردی، هیچ نهاد به‌خصوصی را جداگانه سرزنش یا انتقاد نمی‌کنند و استدلال می‌کنند که همهٔ نهادها ضمن تأثیر متقابل بر یکدیگر، کل سیستم اجتماعی را حفظ می‌کنند. صنعتی شدن، شهرنشینی و سایر تغییرات اجتماعی در جامعهٔ نوین، به‌واسطهٔ تضعیف کنترل اجتماعی که پیش از این از طریق ارزش‌های اجتماعی سنتی اعمال می‌شد، ازسوی جامعه‌شناسان شیکاگو، به‌عنوان علت بی‌سازمانی اجتماعی شناخته شده‌اند (اکرس و سیلرس[3]، ٢٠٠٤، ص. ١٦٠).

---

1. Troy Duster
2. Hagan
3. Akers & Sellers

براساس بسیاری از مطالعات، عناصر مختلف بی‌سازمانی اجتماعی دارای روابط درونی هستند؛ زیرا آن‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، همهٔ عناصر بی‌سازمانی اجتماعی تأثیر یکسان بر جرم ندارند؛ به‌طوری‌که برخی از عناصر بی‌سازمانی اجتماعی به‌عنوان متغیر میانگیر (واسطه‌ای) عمل می‌کنند، ولی برخی دیگر به‌طور مستقیم بر جرم تأثیر می‌گذارند (تایلر[1]، ۲۰۰۱). عوامل بی‌سازمانی اجتماعی باعث می‌شوند که اعضای جامعه در تنظیم رفتارهای خود با مشکل مواجه شوند: فقر، گسیختگی خانواده، بی ثباتی مکانی ساکنان و... به گمنامی و روابط بین ساکنین و مشارکت کم آن‌ها در سازمان‌ها و فعالیت‌های محلی منجر می‌شود (ولد و سنیپس[2]، ۱۹۹۸). نظریهٔ بی‌سازمانی اجتماعی رفتار فردی را تبیین نمی‌کند؛ بلکه این نظریه، قصد تبیین نوسانات میزان جرم و گرایش به مصرف مواد را دارد (پولسین و رابینسون[3]، ۲۰۰٤، ص. ۷۲).

از دیدگاه نظریهٔ بی‌سازمانی اجتماعی، وجود گستردهٔ اعتیاد در برخی نقاط جامعه ناشی از مشخصات سازمان اجتماعی است. طرفداران این نظریه در این حالت جامعه را ناهماهنگ می‌دانند؛ زیرا بخشی از مردم قادر به درک و جذب هدف‌های جامعه نیستند و نمی‌توانند با دستیابی به هدف‌های مطلوب اجتماعی احساس رضایت و کفایت کنند؛ درنتیجه به‌سوی الکل و سایر مواد مخدر روی می‌آورند تا رضایتی را که نتوانسته‌اند در رابطه با اهداف جامعه کسب کنند، از طریق دیگر به دست آورند. طرفداران این نظریه از لحاظ دیگر نیز جامعه را ناهماهنگ می‌دانند و آن حالتی است که هنجارهای جامعه قادر به کنترل و تنظیم مصرف مواد مخدر نیست و از قدرت و نفوذ هنجارهای اجتماعی که مانع مصرف مواد مخدر هستند، نظیر سایر هنجارها، به هنگام بروز تغییر و تحول اجتماعی کاسته می‌شود (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۷).

---

1. Talyor
2. Vold, & Snipes
3. Paulsen & Robinson

کنترل اجتماعی و گرایش به مواد مخدر: براساس نظریه کنترل اجتماعی کسانی که به اجتماع خود دلبستگی دارند، تمایل به تبعیت از مقررات آن نیز دارند، اما کسانی که از اجتماعی خود بریده‌اند، ممکن است به نقض آن مقررات تمایل داشته باشند. توجه به متغیرهای خانوادگی و نقش مؤثر سازمان‌ها و نهادهایی نظیر مدرسه و دین در نظریه کنترل اجتماعی و همچنین در تبیین رفتار انحرافی از اهمیت زیادی برخوردار است. افرادی که در محیط‌های اجتماعی مشترک زندگی می‌کنند، غالباً اعتقادات مشابه دارند و به ارزش‌های انسانی نظیر تشریک مساعی، حمایت از حقوق دیگران و اجرای ضوابط قانونی احترام می‌گذارند. اگر این اعتقادات وجود نداشته باشد یا ضعیف باشد، احتمال مشارکت افراد در اقدامات ضداجتماعی بیشتر است؛ به عبارت دیگر، برحسب نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، هر اندازه تعلقات افراد به خانواده و دوستان، قوانین و مقررات، باورها و اعتقادات مذهبی و اهداف دردسترس ضعیف‌تر شود، تعهدات افراد به جامعه کمتر شده و ضعف تعهد به رفتار انحرافی منجر می‌شود. ضعیف شدن کنترل‌های اجتماعی موجب ترغیب فرد به‌سمت گروه‌های بزهکار و ایجاد ارتباط با این گروه‌ها ودر نتیجه موجب یادگیری رفتار مجرمانه و انحرافی ازجمله مبتلا مصرف مواد می‌شود (رابرتسون[1]، ۱۳۷٤).

۲. ۱. پیشینهٔ تحقیق

در این پژوهش تلاش فراوان شد تا پیشینه داخلی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر ارائه شود، اما هیچ پژوهش کمّی (پیمایشی) و کیفی مرتبط با این موضوع یافت نشد؛ بنابراین برای دانستن نتایج پژوهش‌های دیگران مرتبط با این موضوع، به پژوهش‌های خارجی بسنده می‌شود. امید است این پژوهش سنگ‌بنا و بستری برای انجام پژوهش‌های جامع‌تر دیگر شود.

غفاری و اسماعیل‌پور (۱۳۹٦) در پژوهشی میدانی به بررسی عوامل مؤثر در دسترسی آسان به مواد مخدر در جامعه (ایران) پرداختند. طبق یافته‌ها، عوامل بیولوژیک، ویژگی‌های

1. Robertson

فردی، عوامل خانوادگی، گروه‌های دوستی، کنجکاوی، قیمت ارزان و سادگی تهیه مواد مخدر، مهم‌ترین عوامل مهم در بروز اعتیاد و مصرف مواد هستند. همچنین با توجه به اجتماعی شدن رویکرد مبارزه با مواد مخدر، خانواده از ابتدا تا پایان مصرف مواد مهم‌ترین نقش را دارد و علاوه‌بر پیشگیری از مصرف، بهترین راه‌حل برای ترک و مقابله با اعتیاد و مصرف مواد است. جهان‌شاهلو، محمدخانی، امیری، فخاری و حسینی (۱۳۹۵) مطالعه‌ای به‌صورت توصیفی و همبستگی با مشارکت ٤۳۱ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (ایران) انجام دادند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه عوامل خطرساز و محافظتکننده مصرف مواد و مقیاس خطرپذیری جوانان جمع‌آوری شد. یافته‌ها و نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که مصرف مواد توسط دوستان و دسترس‌پذیری ادراک‌شده بعد از عوامل فردی (نگرش به مواد، هیجان‌خواهی و تکانشگری)، بهترین پیش-بین‌های گرایش به مصرف مواد در دانشجویان هستند. طبق نتایج پیشین نیز بین دسترسی واقعی یا ادراک‌شده به مواد مخدر با مصرف مواد توسط نوجوانان ارتباط معناداری مشاهده شده است. درواقع، میزان گرایش جوانان به رفتارهای پرخطر نظیر مصرف مواد مخدر و الکل در محله‌های نابسامانی که دسترسی آسانی به این مواد وجود دارد، بسیار بیشتر است. در پژوهشی رضایی و صنوبری (۱۳۹۲) نگرش دانشجویان به مواد مخدر و تعیین نقش بازدارنده منع قانونی، ممانعت خانواده، نبود دسترسی به مواد و اعتماد به خود بررسی شد. در این پژوهش از روش زمینه‌یابی مقطعی استفاده شد و به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، مقیاس علاقه به مصرف مواد مخدر در بین ٤۰۰ نفر از دانشجویان شهر دزفول که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا شد .طبق نتایج، ۵/۱۲ درصد برای یک بار هم که شده است، دوست دارند مواد مصرف کنند. همچنین نتایج نشان داد که اگر منع قانونی نباشد، ۳/۹ درصد و اگر ممانعت خانواده نباشد، ٦,٥ درصد از دانشجویان احتمالاً مواد مخدر مصرف خواهند کرد. علاوه بر آن، در صورتی که مواد مخدر در دسترس باشد، ۳/۹ درصد از دانشجویان احتمالاً مصرف خواهند کرد و ۳ درصد بیان کردند که برای یک بار

هم که شده است، آن را امتحان خواهند کرد. می‌توان برای پیشگیری از مصرف، نقش عوامل قانونی، خانوادگی و ممانعت از دسترسی را تقویت کرد و با روش‌های بهبود و ارتقای اعتماد به نفس از مصرف مواد مخدر جلوگیری کرد. فرزین‌فر (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «اعتیاد و علل و پیامدهای آن» به بررسی نرخ بیکاری و زمینه‌های اعتیاد در شهرستان خلخال (ایـران) پرداخت. برخی از نتایج پژوهش عبـارت است از: ۱- سـن شـروع مصـرف مـواد مخـدر، براساس نظر ۷۸ درصد از مسئولان بین ۱٦ تا ۲۵ سالگی یعنی نوجوانی و جوانی اسـت؛ ۲- دربارهٔ شایع‌ترین شغل مصرف کننـدگان مـواد مخـدر، ۸۵ درصـد از مـردم و ۹۲ درصـد از مسئولان معتقدند که مصرف‌کنندگان مواد مخدر بیشـتر بیکـار هسـتند؛ ۳- مهـم‌تـرین علـت مصرف مواد مخدر، طبق اظهار نظر ۸٤ درصد از مردم و ۸۹ درصد از مسئولان، فراوانی و در دسترس بودن مواد در اولویت اول است و سپس بی‌توجهی و کنتـرل‌نکـردن والـدین اسـت. مولوی (۱۳۸۳) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان بـه مصـرف مـواد مخدر» روی ۹۰ نفر (٤۵ معتاد و ٤۵ غیرمعتاد) در محیط زنـدان اردبیـل (ایـران) انجـام داد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای افسردگی با ضریب ٤٤/٤، طلاق والدین با ضریب ۲۳/۳ معاشرت با افراد ناباب ۵۸/۲، سیگار کشیدن با ۱۷/۲ و شکست تحصیلی با ۵۷/۱، بیشـترین تأثیر را بر گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر دارند. احتمالاً می‌توان با آموزش مهارت‌های زندگی، گسترش مشاوره خانواده، ایجاد مراکز و کلاس‌های آموزش هنری، فرهنگی و فنی و حرفه‌ای از گسترش آن جلوگیری کرد.

لیان تام[1] و چوفو[2] (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر سوءمصرف مواد مخدر و دسترسی به مواد مخدر« (در آمریکا) انجام دادند. نتایج نشان داد که نگرش به مصرف مواد مخدر، روش‌های توزیع و دستیابی به مواد مخدر بر سوءمصرف مواد مخدر تأثیرگذار اسـت و دسترسی به مواد مخدر نتیجه فناوری‌های پیشرفته است. طبـق یافتـه‌هـای ایـن پـژوهش،

1. Lian Tam
2. Chu Foo

دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد باید مداخلات و اقدامات پیشگیرانه مؤثر را انجام دهند. گلانتر و هارتل[1] (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که کودکان از طریق مصرف الکل توسط همسالان و نگرش‌های آنان به مصرف مواد، تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. نوجوانانی‌که دوستانشان به الکل و سایر مواد دسترسی دارند، به‌طور فزاینده‌ای درمعرض خطر هستند و احتمال زیادی برای تبدیل آن‌ها به مصرف‌کننده مواد وجود دارد. بزرگسالان اغلب از طریق همسالانشان به این صورت تأثیرپذیرند که ماده خاصی را انتخاب می‌کنند (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۷). نتیجه پژوهش‌های سالانه انستیتیوی ملی اعتیاد به مواد مخدر کشور آمریکا درباره مصرف مواد مخدر و نوشیدن مشروبات الکلی توسط جوانان نشان می‌دهد که ٦٠ درصد از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان گفته‌اند که الکل مصرف کرده‌اند و ٤٦ درصد نیز ماری‌جوانا دود کرده‌اند. آن‌ها همچنین آل‌اس‌دی، محرک‌ها، اکستازی، کوکایین و هرویین مصرف کرده‌اند. این نهاد پیشنهاد می‌کند که حتی در صورت اطمینان ۹۹ درصد از مصرف‌نکردن مواد توسط فرزندانتان باز هم امکان مصرف مواد توسط آن‌ها وجود دارد.

نتایج کلی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که گرایش به مواد مخدر با عوامل و زمینه‌های مختلف ارتباط دارد. عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر نیز متنوع و چندمتغیره است؛ به‌طوری‌که تربیت خانوادگی، خشونت در خانواده، اعتیاد یکی از اعضای خانواده، دوستان ناباب، سرخوردگی‌ها و شکست‌ها در زندگی، دسترسی آسان، بیکاری و فقر، نظارت ضعیف، ناهنجاری‌های اجتماعی و مدیریت‌نشدن اوقات‌فراغت از مهم‌ترین عوامل اجتماعی بر گرایش به مواد مخدر است. در این پژوهش علاوه‌بر محک زدن متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش به مواد مخدر در پژوهش‌های انجام‌شده، تلاش شده است با توجه به شرایط خاص جامعه افغانستان، تأثیرات ناامنی، ناامیدی، نبود دسترسی به امکانات اوقات‌فراغت و عادی شدن توزیع و مصرف را بر گرایش به مواد مخدر نیز بررسی شود.

1. Galanter & Hurteel

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی است که به شیوهٔ تبیینی و توصیفی-تحلیلی و با روش پیمایشی به مسئله پرداخته است. نخست، مبانی نظری موضوع و پیشینهٔ تحقیق از طریق تحقیق کتابخانه‌ای و الکترونیکی کاوش شد. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ۱۸ ساله تا ۳۵ سالهٔ شهر کابل بودند که شامل هم‌بومیان و غیربومیان می‌شدند. نمونه‌های تحقیق به‌شکل تصادفی ساده و تصادفی سیستماتیک از میان کاربران شبکه‌های مجازی و اینترنت و نیز به‌صورت فراخوان عمومی برای تکمیل پرسشنامه آنلاین به جوانان شهرکابل در شبکه اجتماعی فیسبوک انتخاب شدند که درمجموع ۲۵۱ نفر از میان جوانان ساکن در شهر کابل به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. گردآوری داده‌ها به‌وسیلهٔ پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته صورت گرفت که براساس سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق و براساس مقیاس لیکرت تنظیم شد و از میان نمونه‌های انتخاب‌شده و فراخوان عمومی از جامعه آماری تکمیل شده است. سپس داده‌های جمع‌آوری‌شده طبقه‌بندی شد و وارد نرم‌افزار SPSS شد و پس از طی مراحل شاخص‌های پژوهش ساخته شد و سهم هریک از آن‌ها در تخمین میزان متغیر وابسته به دست آمد. پس از آن، آزمون‌های (T)، (F)، همبستگی و رگرسیونی انجام شد. اعتبار و پایایی تحقیق نیز با روش‌های مرسوم انجام شد که روایی[1] مقیاس با استفاده از تکنیک روایی صوری و تأیید استاد و اعتبار پایایی[2] مقیاس و دقت پرسشنامه‌ها نیز به روش همسانی درونی و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ[3] صورت گرفت.

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

---

۱. تعیین اینکه آیا ابزار اندازه‌گیری سنجه مناسبی برای بررسی شاخص های مدنظر است یا خیر.

2. Reliability

3. Cronbach's Coefficient Alpha

۱. جوانان در کابل به امکانات اوقات‌فراغت مانند فضاهای سبز، پارک‌ها، میدان‌های فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... دسترسی ندارند و این کمبودها با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است؛

۲. افزایش خشونت‌ها و ناامنی فزیکی و روانی ناشی از انتحار و انفجار در شهرکابل با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد؛

۳. دوستان و همسالان معتاد در گرایش و ابتلای جوانان به مواد مخدر نقش دارند؛

٤. بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد با گرایش جوانان به مصرف مواد ارتباط دارد؛

۵. اعتیاد یکی از اعضای خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد؛

٦. خشونت در خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است.

٤. یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون رابطه متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به مواد مخدر

گرایش به مواد / متغیرهای زمینه‌ای	ابعاد	میانگین	T	sig
تأهل	مجرد	٤۳/۳۲	۰/۱۷۳	۰/۸٦۳
	متأهل	٤۳		
وضعیت سکونت	بومی شهر کابل	٤۳/۳۳	۰/۲٦۹	۰/۷۸۸
	غیربومی	۸۵۳.٤۲		
اشتغال	شاغل	٤۱/۷۵	-۲/٤٤۱	۰/۱٦
	غیرشاغل	٤٦/۳۱		
اعتیاد یکی از اعضای خانواده	بلی	٤۳/۳۸	۰/۱۸۸	۰/۸۵۱
	خیر	٤۲/۹٦		

تحلیل آزمون T یا تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر نشان می‌دهد، بین وضعیت تأهل و تجرد تفاوت معناداری در گرایش به مواد مخدر وجود ندارد. بین وضعیت سکونت (بومی شهرکابل و غیربومی) نیز تفاوت معناداری در گرایش به مواد وجود ندارد. در وضعیت اشتغال تفاوت معناداری بین شاغلان و بیکاران وجود ندارد و این جدول و ضریب معناداری آن نشان می‌دهد که بیکاران در مقایسه با شاغلان گرایش بیشتری به مواد مخدر دارند. اعتیاد یکی از اعضای خانواد نیز بر سوءمصرف و گرایش به مواد مخدر تأثیر نداشته است، اما مصرف مواد در حال حاضر، تفاوت معناداری با کسانی دارد که در حال حاضر مصرف‌کننده مواد نیستند. در این آزمون فقط تأثیرمتغیر بیکاری بر گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر تأیید شد.

جدول ۲. نتایج آزمون رابطهٔ متغیرهای مستقل با گرایش به مواد مخدر

گرایش به مواد مخدر / متغیرهای مستقل	اندازاه همبستگی	sig
سن	۰/۰۰۱	۰/۹۹۱
بعدخانوار	۰/۰۰۱	۰/۹۵۹
درآمد	-۰/۱۸۱	-۰/۱۹۸
جوانان در کابل به امکانات اوقات‌فراغت مانند فضاهای سبز، پارک‌ها، میدان‌های فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... دسترسی ندارند و این کمبودها با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است.	۰/۹٦۸	۰/۰۰۰
افزایش خشونت‌ها و ناامنی فزیکی و روانی ناشی از انتحار و انفجار در شهرکابل با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد.	۰/۵۸۱	۰/۰۰۰
دوستان و همسالان معتاد در گرایش و ابتلای جوانان به مواد مخدر نقش دارند.	۰/۵۵۱	۰/۰۰۰
بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد با گرایش جوانان به مصرف مواد ارتباط دارد.	۰/٤۲۷	۰/۰۰۰
خشونت در خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است.	۰/۵۲٦	۰/۰۰۰

تحلیل آزمون رابطه متغیرهای مستقل با گرایش به مواد مخدر در جدول ۲ نشان می‌دهد، بین سن و تعداد اعضای خانوار با گرایش به مواد مخدر رابطهٔ همبستگی مشاهده نشد و این روابط از نظر آماری معنادار نیست، اما بین متغیرهای داشتن امکانات اوقات‌فراغت، احساس ناامنی در شهر کابل، داشتن دوستان و همسالان ناباب، بی‌هنجاری و تنش‌های خانوادگی با گرایش به مواد مخدر همبستگی و رابطهٔ مثبت و معناداری مشاهده شد؛ یعنی هرچه اوقات‌فراغت بیشتر باشد و امکانات گذران آن وجود نداشته باشد، سطح خشونت‌های فزیکی و روانی در شهرکابل بیشتر باشد، دوستان و همسالان ناباب داشته باشند و تنش‌های خانوادگی بیشتر باشد، به همان اندازه گرایش به مواد مخدر افزایش پیدا می‌کند. همچنین نداشتن درآمد یا درآمد ناچیز و گرایش به مواد مخدر رابطهٔ معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه درآمد افراد افزایش می‌یابد، گرایش به مواد مخدر کاهش می‌یابد و برعکس.

جدول ۳. نتایج آزمون F درباره رابطه بین تحصیلات و گرایش به مواد مخدر

	ابعاد	میانگین	F	Sig
تحصیلات	بی‌سواد	۵۳/۸۳	۲۹/۷۷	۰/۰۰۰
	دوازده پاس	٤۷/۵۳		
	تحصیلات دانشگاهی	۳۹/۰۵		

تحلیل آزمون چندمتغیره (F) نشان می دهد، بین تحصیلات و گرایش به مواد مخدر رابطهٔ معناداری وجود دارد، یعنی به هر اندازه سرمایه انسانی و تحصیلات افراد بیشتر باشد، به همان اندازه گرایش کمتری به مواد مخدر دارند و برعکس جوانان بی‌سواد یا با تحصیلات کم گرایش بیشتری به مواد مخدر نشان می‌دهند.

جدول ٤. نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به مواد مخدر

متغیرهای مستقل	ضرایب خام	Std. Error	ضرایب استانداردشده	T	Sig
	β		**Beta**		
مقدارثابت	١٤/٣١٩	٣/١١	–	٤/٥٦	٠/٠٠٠
امکانات اوقات‌فراغت و گرایش به مواد مخدر	٠/٦٥٨	٠/١٣٤	٠/٤٨٨	٤/٩٢	٠/٠٠٠
بی‌هنجاری و گرایش به مواد مخدر	٠/٥٩٧	٠/٢٠٢	٠/٢٦٨	٢/٩٥	٠/٠٠٤
دوستان ناباب و گرایش به مواد مخدر	٠/٤٠٦	٠/١٧	٠/٢٢٦	٢/٣٩	٠/٠٢

به‌منظور تبیین گرایش به مواد مخدر براساس متغیرهای امکانات اوقات، بی هنجاری و دوستان ناباب، از رگرسیونی چندمتغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. در مجموع از ١٠ متغیر واردشده به معادله رگرسیونی، سه متغیر مستقل مهم این در این تحلیل باقی ماندند که ضریب همبستگی آن‌ها با گرایش به مواد مخدر برابر با ٠/٧٧٨ =R و ضریب تعیین برابر با ٠/٦٠٦ = R^2 وضریب تعیین خالص برابر ٠/٥٨٥= R^2 شده است. این ضرایب بیانگر آن است که حدود ٥٨,٥ درصد از واریانس گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر توسط این متغیرها در معادله رگرسیونی تبیین می‌شود. درمجموع، طبق اطلاعات جدول ٤ و با توجه به ضرایب بتاهای استانداردشده، ملاحظه می‌شود که نبود امکانات اوقات‌فراغت با ٤٨٨ /٠ =β، بی‌هنجاری با ٠/٢٦٨ = β و دوستان ناباب ٠/٢٢٦ =β در گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر سهم معناداری دارند. ملاحظه می‌شود که نبود امکانات اوقات‌فراغت بیشترین تـأثیر را بر گرایش به مواد مخدر دارد؛ یعنی هرچی میزان اوقات‌فراغت افراد بیشتر باشد و دسترسی به امکانات مناسب گذران آن وجود نداشته نباشد، جوانان بیشتر به مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند. جدول ٤ نشان می‌دهد که احساس بی‌هنجاری و دوستان ناباب نیز در گرایش به مواد مخدر تأثیر مثبت و معناداری دارند.

۵. بحث

طبق نتایج به‌دست‌آمده از جامعه آماری پژوهش، حدود ٦٩ درصد متأهل و ۳۱ درصد مجرد، ٦٥/٥ درصد با تحصیلات دانشگاهی، ۲۸/٦ درصد دوازده‌پاس و باقی‌مانده بی‌سواد بودند. درآمد افراد بین صفر تا ۸۸۰۰۰ افغانی بود و ٦٦/٤ درصد افراد غیربومی و ۳۳/٦ درصد افراد بومی بودند. وضعیت اشتغال نیز با ۷٤/۹ درصد شاغل و ۲٥/۱ درصد غیرشاغل بود. ۸۷/٤ درصد گفتند که هیچ‌یک از اعضای خانواده معتاد به مواد مخدر نیستند، ولی ۱۲/٦درصد یکی از اعضای خانواده‌شان معتاد بوده است و نیز ۹۲/۳ درصد گفتند که در حال حاضر مواد مخدر مصرف نمی‌کنند و ۷/۷ درصد از این اعضای جامعه آماری درحال حاضر مواد مصرف می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، متغیرهای اجتماعی چون نبود امکانات اوقات‌فراغت (نبود فضاهای سبز، نبود پارک‌ها، بی‌توجی رسانه‌ها به برنامه‌های تفریحی و سرگرم‌کننده، بی‌توجهی جامعه و بزرگسالان به تفریح و سرگرمی جوانان، نبود فرهنگ تفریح و مدیریت اوقات اوقات‌فراغت و...)، ناامنی‌ها و افزایش خشونت‌های فزیکی و روانی در شهرکابل، بی‌هنجاری و نبود نظارت اجتماعی بر گرایش و سوءمصرف مواد مخدر، تنش‌های خانوادگی و نبود سازگاری مناسب میان زوج‌ها و فرزندان، داشتن دوستان و همسالان ناباب و آلوده به مواد مخدر، بی‌سوادی و کم‌سوادی و نداشتن درآمد و درآمد ناچیز، بر گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر تأثیرگذار بوده‌اند و نیز دارای همبستگی و رابطهٔ معناداری بوده‌اند، اما بین متغیرهای چون سن، وضعیت تأهل، بومی بودن یا غیربومی بودن و تعداد اعضای خانوار دارای رابطهٔ معناداری با گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر مشاهد نشد. یافته‌ها بیانگر این واقعیت است که گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر متأثر از شرایط و اوضاع کلی جامعه و ناهنجاری‌های ناشی از جنگ و خشونت‌های چند دههٔ اخیر است. این ناهنجاری‌ها و کمبودها (نداشتن امکانات اوقات‌فراغت، احساس ناامنی، بی‌هنجاری و نبود نظارت اجتماعی، تنش و ناسازگاری در خانواده، بی‌سوادی و کم‌سوادی، بیکاری و نداشتن درآمد و

دوست شدن با افراد آلوده و ناباب) به هر میزانی فراوانی و افزایش داشته باشد، به همان میزان گرایش جوانان به مواد مخدر افزایش می‌یابد و اگر به این چالش‌ها و کمبودها توجه شود، گرایش و ابتلای جوانان نیز به مواد مخدر کاهش می‌یابد؛ بنابراین این فرضیه‌ها تأیید شد: ۱- جوانان در کابل به امکانات اوقات‌فراغت مانند فضاهای سبز، پارک‌ها، میدان‌های فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... دسترسی ندارند و این کمبودها با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است؛ ۲- افزایش خشونت‌ها و ناامنی فزیکی و روانی ناشی از انتحار و انفجار در شهرکابل با گرایش جوانان به مواد مخدر ارتباط دارد؛ ۳- دوستان و همسالان معتاد در گرایش و ابتلای جوانان به مواد مخدر نقش دارند؛ ٤- بی‌هنجاری و عادی شدن مصرف مواد با گرایش جوانان به مصرف مواد ارتباط دارد؛ ٥- خشونت در خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر مرتبط است. فرضیه اعتیاد یکی از اعضای خانواده با گرایش جوانان به مواد مخدر تأیید نشد و بین این دو متغیر رابطهٔ معناداری وجود نداشت.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال اصلی است که عوامل مؤثر اجتماعی برگرایش به مواد مخدر در بین جوانان شهر کابل کدام‌اند؟ گرایش جوانان به مواد مخدر یکی مشکلات اساسی کشورهای جهان ازجمله افغانستان است. پژوهش‌ها و آمارها نیز نشان می‌دهد که جوانان ازجمله مستعدترین گروه‌های سنی درمعرض گرایش به مواد مخدر هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، دسترسی آسان به مواد مخدر، بیکاری و نبود تفریح و سرگرمی، کاهش نظارت اجتماعی، تنش‌های خانوادگی، دوستان و همسالان آلوده و شکست و سرخوردگی‌ها ازجمله عوامل اجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر است. نظریه‌های نیز در جامعه‌شناسی تبیین‌کنندهٔ گرایش جوانان به مواد مخدر است. نظریه آنومی و بی‌هنجاری وضعیتی را بیان می‌کند که جامعه توان عرضه قواعد رفتاری و اخلاقی قابل‌قبول را برای اعضایش ندارد و در چنین وضعیتی افراد به رفتارهای انحرافی از جمله سوءمصرف مواد

مخدر اقدام می‌کنند. نظریه یادگیری اجتماعی ونظریه اجتماعی شدن نیز بر نقش خانواده و دوستان در یادگیری رفتار انحرافی از جمله گرایش به مواد مخدر بررسی‌شدنی است. نظریه کنترل اجتماعی به نقش نظارت‌های رسمی و غیررسمی در هنجارمند کردن رفتار افراد تأکید دارد و درصورت مکانیزم‌های نظارتی فعال نباشد، افراد به انحراف‌ها اقدام می‌کنند.

دورهٔ جوانی به‌عنوان دوره‌ای حساس، پرهیجان و احساسات و به‌عنوان دوره‌ای پرمخاطره در رفتار و گرایش‌های افراد محسوب می‌شود. در این دوره، تمایلات و علایق افراد به پدیده‌های پرخطر و متحول‌کننده افزایش می‌یابد، نظارت خانوادگی کاهش یافته و برعکس استقلال شخصیتی و رفتاری افراد افزایش می‌یابد. همچنین افراد در این دوره، دوستان و همسالان جدید انتخاب می‌کنند، باورها و اعتقادات افراد دچار بازبینی و درمعرض سؤال‌های جدی قرار می‌گیرد و همچنین جنون جوانی که یکی از آسیب‌های سلامت روانی و جسمی است، در این دوره پدید می‌آید، عواطف و گرایش‌های عشقی و فشار ناشی از هیجان‌های شهوت در این برههٔ زمانی نیز بر این گروه سنی، فشار وارد می‌کند. این همه در نبود امکانات مناسب تربیتی، آموزشی، تفریحی، نظارت اجتماعی و برآورده نشدن نیازها و خواسته‌های جوانان، آن‌ها را درمعرض انواع انحراف‌ها ازجمله گرایش به مصرف مواد مخدر قرار می‌دهد (طارمیان، ۱۳۸۷). چنانچه یافته‌های این پژوهش نیز نشان داد، نبود امکانات اوقات‌فراغت، نبود نظارت اجتماعی و داشتن دوستان ناباب و آلوده رابطهٔ معناداری با گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر داشتند. درتاج (۱۳۸۹) در تحقیقی نشان داده است که گرایش به مصرف مواد مخدر در میان جوانان با نداشتن برنامه‌های تفریحی و سرگرمی و نبود نظارت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) ارتباط معنادار دارد و ما نیز در این پژوهش دریافتیم که نداشتن امکانات اوقات‌فراغت با گرایش جوانان شهر کابل به مواد مخدر مرتبط است. حسین‌خانزاده طاهر، سیدنوری، آیدا و عیسی‌پور (۱۳۹۲) به بررسی رابطهٔ شیوه تعامل والد–فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف پرداختند، حیدرنژاد، باقری بنجار و اصانلو (۱۳۹۱) به بررسی مقایسه سرمایه اجتماعی و اعتیاد پرداختند، کیومکو و

لویت[1] (۲۰۰۳) در رابطه به احساس ناامنی و گرایش جوانان به مواد مخدر تحقیق کردند و کنز دیل[2] (۲۰۱۰) در رابطه بی‌هنجاری و نبود نظارت اجتماعی و مصرف مواد پژوهشی را انجام دادند که همه پژوهش‌های یادشده با یافته‌های پژوهش حاضر همسوست. به لحاظ نظری نیز نظریه‌های چون بی هنجاری و آنومی ، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه اجتماعی شدن، نظریه تضاد، نظریه ساختارگرایی، نظریه‌کنترل اجتماعی، نظریه سرمایه انسانی و اجتماعی و نظریه بی‌سازمانی هریک به نوبه خود، نتایج این پژوهش را تأیید می‌کند.

در این پژوهش، عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر بررسی شد. این پژوهش به شیوه پیمایشی و با مقیاس لیکرت و به‌شکل تبیینی، توصیفی و تحلیلی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش جوانان بین ۱۸ سال تا ۳۵ ساله شهر کابل بودند که هم بومیان و هم غیربومیان را در بر می‌گرفت که کاربران فضای مجاری و اینترنت بودند. پرسشنامه محقق‌ساخته با رعایت اعتبار و روایی از میان این جامعه آماری به تعداد ۲۵۱ پرسشنامه تکمیل شد. نتایج آزمون‌های T، F، همبستگی و تحلیل رگرسیونی نشان داد، نداشتن امکانات اوقات‌فراغت، احساس ناامنی، بی‌هنجاری، تنش‌های خانوادگی، دوستان ناباب با گرایش به مواد مخدر رابطه معنادار و مثبت دارد و سطح درآمد، سطح سواد و اشتغال نیز در گرایش به مواد تأثیرگذار بوده است، اما وضعیت تأهل، حجم خانوار، بومی بودن یا غیربومی بودن، سن و مصرف مواد توسط یکی از اعضای خانواده نقشی در گرایش جوانان شهرکابل به مواد مخدر نداشته است.

پیشنهادهای تحقیق عبارت‌اند از:

۱- نیاز است دولت زمینه‌ها و امکانات اوقات‌فراغت مثل ساختن پارک‌ها، فضاهای سبز، میادین فوتبال، فوتسال، والیبال، سینما و... در اولویت برنامه‌های شان قرار دهد؛

1. Kuiemko & Levitt
2. Kenzdeal

۲- همه نهادها و سازمان‌های فرهنگی و آموزشی تا رسانه‌ها و حتا گروه‌های امداد رسان خارجی بایست در تهیه و نشر برنامه‌های تفریحی، سرگرم‌کننده نقش بگیرند و در زمینه آگاهی‌دهی خطرات و ضررهای استفاده مواد مخدر برنامه‌های مختلفی را روی دست گیرند؛

۳- حکومت باید به فضای، ناامنی، ناامیدی و خشونت روانی در شهر کابل پایان دهد؛

٤- دولت و همه‌ی نهادهای فرهنگ‌ساز باید روی فرهنگ قباحت‌زدایی شده از مواد مخدر کار کنند و این پدیده را به‌عنوان یک شرم و ناهنجار اجتماعی در فرهنگ عامیانه نهادینه کرده و نیز برای جمع‌آوری تمام معتادان از سطح جاده‌ها، زیرپل‌ها و... اقدامات فوری انجام دهند؛

۵- به‌وجود آمدن مکانیزم‌های قانونی و اجتماعی برای نظارت و کنترل مصرف مواد مخدر و مقابلهٔ جدی با عرضه و پخش مواد در سطح شهر؛

٦- اشتغال‌یابی و کارآفرینی برای جوانان افزایش یابد؛

۷- اجرایی کردن قانون خانواده و آگاهی‌دهی از نتایج منفی تنش‌های خانگی؛

۸- زمینه‌سازی برای باسوادسازی جوانان مانده از تحصیل.

کتابنامه

۱. اورنگ، ج. (۱۳۷٦). *پژوهشی دربارهٔ اعتیاد*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲. آبادینسکی، هو. (۱۳۸۲)، *جامعه شناسی مواد مخدر* (م. ع. زکریایی، مترجم). تهران: دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.

۳. آدرم، م.، نیک منش، ز. (۱۳۹۰). گرایش به مصرف مواد در جوانان براساس ویژگی‌های‌شخصیت، *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، *١٤*(۲)، ۱۰۱-۱۰٤.

٤. جهان شاه لو، م.، محمدخانی، ش.، امیری، ح.، فخاری، آ.، و حسینی، س. (۱۳۹۵). عوامل خطرساز و محافظت کننده فردی، خانوادگی و اجتماعی گرایش به مصرف مواد در دانشجویان، *سلامت اجتماعی مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت*، ۳(۲)، ۱۲۷-۱۳۷.

۵. حجاریان، ا.، و قنبری، ی. (۱۳۹۲). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در گرایش جوانان روستایی به اعتیاد در مناطق روستایی شهرستان اصفهان. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد*، ۷(۲۷)، ٦۷-۷۸.

٦. حسین‌خانزاده، ع.، طاهر، م.، سیدنوری، س.، یحیی‌زاده، آ.، و عیسی‌پور، م. (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۷(۲۷)، ۵۹-۷٤.

۷. حیدرنژاد، ع.، باقری بنجار، ع.، و اصانلو ع. (۱۳۹۱). مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در جوانان معتاد و غیرمعتاد. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ٦ (۲٤)، ۹٤-۸۵.

۸. دورکیم، ا. (۱۳٦۰). *فلسفه و جامعه شناسی* (ف. خمسه‌ای، مترجم) تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.

۹. دهخدا. (۱۳۷۲). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. رابرتسون، ی. (۱۳۷٤). *درآمدی بر جامعه‌شناسی* (ح. بهروزان، مترجم) (چاپ دوم). تهران: انتشارات آستا.

۱۱. رحمانی فضلی، ع. (۱۳۹٦). *رشد ۵۰ درصدی تجارت مواد مخدر در فضای مجازی / مصرف «هروئین» در حال افزایش است*. بازیابی از http://jjo.ir/koqiirqi

۱۲. رضایی، ع. م.، و صنوبری، م. (۱۳۹۲). نگرش دانشجویان به مواد مخدر: نقش بازدارنده منع قانونی، ممانعت خانواده، عدم دسترسی به مواد و اعتماد به خود. *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد*، ۷(۲۸)، ٤۳-۵۸.

۱۳. شورای نویسندگان. (۱۳۷۹). *اعتیاد و پیشگیری یا درمان*. یزد: انتشارات نیکوروش با همکاری دبیرخانه کمیسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد.

۱٤. شهدادی، ح. (۱۳۸۹). *روش تحقیق در پرستاری*. تهران: انتشارات جامعه نگر با همکاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی زابل.

۱۵. صادقی، ک. (۱۳۸۷). *جرم‌شناسی*. تهران: بی‌نا.

۱٦. صدیق سروستانی، ر. (۱۳۷۷). آیا اعتیاد یک مسئله اجتماعی است؟ *سمینار اعتیاد به مواد مخدر*، تبریز.

۱۷. صدیق سروستانی، ر. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی اجتماعی* (چاپ ششم). تهران: انتشارات سمت.

۱۸. علوی‌فر، م. (۱۳۹۵). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل گرایش به مواد مخدر در خانواده های شهرستان نرماشیر و ارائه راهکارهای اثربخش در جهت اصلاح گرایشات مذکور در سال ۱۳۹۵* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی‌ارشد رشتهٔ علوم اجتماعی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران.

۱۹. علی وردی نیا، ا. (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی دستگیری های مرتبط با مواد مخدر: مطالعهٔ موردی استان مازندران، *فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، *۷*(۲۸)، ۲۸۵–۳۰۷.

۲۰. غفاری، م.، و اسماعیل پور پورعسکری، ن. (۱۳۹٦). بررسی موضوعی عوامل مؤثر در مصرف مواد مخدر در جامعه، *فصلنامه مطالعات حقوق*، *٤*(۱۷)، ۵۹–۷۲.

۲۱. فرخ‌پور، م. ع. (۱۳۸۲). *آسیب‌های اجتماعی (عوامل و راهکارها)*، بی‌جا: انتشارات دانش‌گستران.

۲۲. فرزین فر، م. (۱۳۹۲). اعتیاد و علل و پیامدهای آن. *تغییرات اجتماعی- فرهنگی*، *۱*(۱۵)، ۱۱۰–۱۲٤.

۲۳. کوثری، م. (۱۳۸۲). آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر. *فصلنامه علمی- پژوهشی اعتیادپژوهی*، ٦(۲)، ۱۳–۳۰.

۲٤. محبوبی‌منش، ح. (۱۳۸۲). اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده. *فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان*، ٦(۲۲)، ٦۷–۹۰.

۲۵. محمدی، ج.، کرمی، م.، رسولی ندا، ح. ر.، رسولی، م.، و فضلی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در گرایش دانش آموزان دوره متوسطه به سوء مصرف مواد مخدر و راه‌های پیشگیری از آن. *فصلنامه مطالعات مبارزه با مواد مخدر*، ٦(۲۰)، ٦۳–۷۸.

۲٦. مزیدی، ع. (۱۳۹۳). *جوانان: تهدیدها و امیدها*. پشاور: انتشارات دانش.

۲۷. ممتاز، ف. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.

۲۸. مولوی، پ. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر درگرایش جوانان به مصرف مواد مخدر. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ٦(۲۱)، ٤۹–۵۵.

۲۹. نوری، ر.، صدیقیان، آ.، رفیعی، ح.، نارنجی‌ها، ه.، صرامی، ح.، و باغستانی، ا. (۱۳۸۷). *تحلیل روند اعتیاد در طی دو دهه اخیر (روند پدیده های مرتبط با اعتیاد در طی سال‌های اجرای برنامه اول تا*

چهارم توسعه)، تهران: مرکز تحقیقات سوء مصرف و وابستگی به مواد دانشگاه علـوم بهزیسـتی و توانبخشی.

۳۰. یوسفی لویه، و.، و یوسـفی لویـه، م. (۱۳۸۸). سـنجش گـرایش دانشـجویان نسـبت بـه اینترنـت. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۹(٤۲)، ۱۱۷–۱۳۵.

31. Akers, R. L., & Christine. S. S. (2004). *Criminological theories: Introduction, evaluation and application* (4th Edition). Los Angeles: Roxbury Publishing Company.
32. Currie, E. (1993). *Reckoning drugs, the cities, and the American future*. New York: Hill and Wang.
33. Hadland, S. E., Marshall, B. D., Kerr, T., Lai, C., Montaner, J. S., & Wood, E. (2012). Ready access to illicit drugs among youth and adult users. *The American Journal on Addictions*, *21*(5), 488-490.
34. Hagan, J. (1994). *Crime and disrepute*. Thousand Oaks: Pine Forge Press.
35. Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California Press.
36. Jeffrey A., & Jeffrey, Z. (1995). The economic case against drug prohibition. *Journal of Economic Perspectives*, *9*(4), 175–192
37. Kenzdeal, M. (2010*). Crime and disrepute*. New York: Free Press.
38. Kuiemko, I., & Steven, D. L. (2003). Empirical analysis of imprisoning drug offenders. *Journal of Public Economics*, *88*(9–10), 2043–2066.
39. Kumpfer, K. L., & Turner, C. W. (1990). The social ethology model of adolescent substance abuse: Implications for prevention. *International Journal of Addiction*, *25*(4), 435-63.
40. Paulsen, J., & Robinson, M. (2004). *Spatial aspects of crime: Theory and practice*. New York: Pearson.
41. Taylor, R. (2001). The ecology of crime fear and delinquency: Social disorganization versus social efficacy. In R. Paternoster., & R. Bachman (Eds.), *explaining crime and criminals*. Los Angeles, CA: Roxbury Publishing Company.
42. Vold, G., Bernard T., & Snipes, J. (1998). *Theoretical* (4th Edition.). New York: Criminology Oxford University.